



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: فی الأذان والإقامة.

آقای فیاضی نوشته اند که در بحث دیروز فرمودید تفویض دو نوع است؛ یکی تفویض در خلقت یعنی اینکه بعضی چیزها را غیر ذات اقدس الهی نیز بتواند خلق کند و دیگری تفویض در احکام یعنی اینکه خداوند متعال تشریح بعضی از احکام را به غیر خودش واگذار کرده و بعد ما عرض کردیم که خداوند متعال خلقت را تفویض نکرده و همه مخلوقات در واقع مخلوق خود خداوند هستند، اما سوال ایشان نیز همین است که مطلب شما چگونه با این آیه از قران کریم سازگار می باشد؟ آیه شریفه این است: «و رَسُولاً إِلَيَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتِي بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱، و فرستاده ای به سوی بنی اسرائیل (قرار می دهد که به آنان می گوید) که من نشانه ای برای شما از جانب پروردگارتان آورده ام ، من از گل برای شما چیزی به صورت پرنده می سازم ، پس در آن می دمم که به اراده خداوند پرنده ای می گردد ، و کور مادرزاد و پیس را بهبود می بخشم و مردگان را به اراده خداوند زنده می کنم ، و شما را از آنچه می خورید و آنچه در خانه هایتان ذخیره می کنید خبر می دهم. حقا که در این نشانه ای (از

توحید و علم و قدرت خدا و نبوت من) است برای شما اگر مؤمن باشید.

در اینجا یک بحث مهمی وجود دارد و آن اینکه اگر معجزاتی مثل شفاء مریض یا زنده کردن میت از پیغمبران یا ائمه علیهم السلام صادر شود آیا در واقع آنها فقط دعا می کنند و خداوند متعال مستجاب می کند یعنی فعل اصلی از خود خداوند متعال صادر می شود یا اینکه خداوند به آنها مزیتی و قدرتی داده که خودشان مستقلا می توانند این امور را انجام بدهند؟ ما معتقدیم که پیامبران و ائمه علیهم الصلاة و السلام وسیله هستند و بخاطر مزیت و جایگاه و شایستگی که نزد خداوند متعال دارند از او می خواهند و بعد با اذن خدا اموراتی مثل شفاء مریض و زنده کردن مردگان صورت می گیرد و در واقع فعل و کار اصلی متعلق به خود خداوند متعال است و کلمه "بِإِذْنِ اللَّهِ" که در آیه شریفه ذکر شده نیز به همین مطلب اشاره دارد و بعلاوه در سوره حج نیز اینطور گفته: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ^۲ إِنَّ الدِّينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ^۳ وَإِنْ يَسْأَلُهمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ^۴ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ»^۲، ای مردم! [برای شما و معبودانتان] مثلی زده شده است؛ پس به آن گوش فرا دهید، یقیناً کسانی که به جای خدا می پرستید، هرگز نمی توانند مگسی بیافرینند اگر چه برای آفریدن آن گرد آیند و اگر مگس، چیزی را از آنان برآید، نمی توانند آن را از او بازگیرند، هم پرستش کنندگان و هم معبودان ناتوانند.

بخشمان در مورد شهادت به ولایت در اذان و اقامه بود که عرض کردیم شهید در شرح لمعه کلام شیخ صدوق را

^۱ سوره آل عمران، آیه ۴۹.

^۲ سوره حج، آیه ۷۳.

شعار شیعه شده و ما را با همین می شناسند فلذا بخاطر حفظ عظمت شیعه و احیاء امر اهل بیت علیهم السلام گفتنش بدون قصد ورود اشکالی ندارد بنابراین ما قول شیخ صدوق را قبول نداریم.
بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله
علی محمد و آله الطاهرین

توجه: به مناسبت شهادت امام کاظم علیه السلام مراسم سوگواری در دفتر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی حفظه الله برگزار می گردد.

زمان: پنجشنبه ساعت ۱۰ صبح

مکان: خیابان شهداء (صفائیه) کوچه ۳۳

نقل کرده که ایشان خیلی محکم فرموده شهادت به ولایت نباید اضافه شود و اگر کسی اضافه کند بدعت می باشد منتهی ما عرض می کنیم که عمومات اذان و اقامه شهادت به ولایت را نفی نمی کنند خصوصاً که ما نمی خواهیم بگوئیم جزء اذان و اقامه است به عبارت دیگر أدله گفته اند اذان و اقامه این است ولی نگفته اند چیز دیگری به آن اضافه نکنید و بنده نیز خاطریم هست وقتی در درس استاد بزرگوارم مرحوم آیت الله محقق داماد شرکت می کردم ایشان نیز می فرمودند ما خیلی مستحبات و ادعیه داریم که سفارش شده اند ولی طبق عمومات دیگر می توانیم چیزی به آنها اضافه کنیم منتهی نه به این نیت که جزئی از آن است تا اینکه بدعت بشود بلکه مثلاً می گوئیم در این زمینه فلان دعا را می خوانیم و بسیاری از فقهاء نیز همینطور جواب داده اند من جمله امام رضوان الله علیه که در حاشیه عروه فرموده گفتن شهادت به ولایت در اذان و اقامه به قصد عدم ورود اشکالی ندارد خصوصاً که عمومات دیگری داریم که دلالت دارند بر اظهار ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و حتی شیخ طوسی نیز در اول کتاب مبسوط فرموده شهادت به ولایت در اذان و اقامه اشکالی ندارد.

نقل شده شیخ جعفر کاشف الغطاء یک وقتی به پاکستان سفر کرده بود، در پاکستان مساجد بسیار بزرگی وجود دارد و شیخ جعفر به عنوان یکی از علماء بزرگ شیعه وارد یکی از آن مساجد شد، وقتی خواست نماز بخواند در اذان و اقامه شهادت به ولایت هم گفت منتهی برگشت و دید همه رفته اند و فقط چند نفری که همراهش بودند مانده اند چون آنها قبول نداشتند و ما نیز عرض کردیم که امروز شهادت به ولایت در اذان و اقامه